

## نوروز در فرهنگ شیعه

رسول جعفریان

نوروز یا روزِ نو، در همهٔ تقاویم، در همهٔ دوره‌ها و در میان همهٔ فرهنگها، با اسامی گوناگون مطرح بوده و هست. گردش زمین به دور خورشید و پدید آمدن روز و شب و فصول سال و نیز حرکت ماه برگرد زمین، بشر را به محاسبه واداشته و به طور طبیعی تقویم را پدید آورده است. آغاز هر سال، شروع جدیدی است که خود به نوعی انسان را با احساسی تازه و تولدی نو به حرکت در می‌آورد. این آغاز همراه با شادی و سرور بوده و در هر فرهنگی آیینهای ویژه‌ای برای نشان دادن خوش حالی و شادی تعبیه شده است. در میان ایرانیان، این روزِ نو، روزی بود که شاه جدید ساسانی به تخت می‌نشست. خواهیم دید که آخرین نوروز ایرانی، که طی آن آیینهای ویژه‌ای را اجرا می‌کردند،<sup>۱</sup> روزی در اواخر خردادماه بود که یزدگرد سوم بر تخت نشست و از آن پس، این نوروز، هر سال، با توجه به عدم محاسبهٔ کیبسه و اهمال آن، در هر چهار سال یک روز به عقب می‌افتاد. پس از آمدن اسلام، سنت نوروز، پابرجا ماند و این بدان دلیل بود که مردم ایران، به سرعت اسلام را نپذیرفته و تا یکی دو سه قرن، بسیاری از آنان بر آیین کهن خود بودند. حتی اگر اسلام را پذیرفتند، نتوانستند به آسانی آن را ترک کنند. دانسته است که اسلام دو عید را با عنوان عید فطر و اضحی با آیینهای ویژه مطرح کرد، هر چند آنها آغاز سال نبود اما به هر روی عید طبیعی مسلمانان به شمار می‌آمد. در برابر، نه از سوی اهل سنت و نه امامان شیعه، موضعگیری روشن و شناخته شدهٔ مفصلی نسبت به نوروز مطرح نشد. آنچه در این باره گفته شده پس از این اشاره خواهیم کرد.

بحث از نوروز، در فرهنگ شیعه، از قرن پنجم به بعد مطرح شد و تا آنجا که به منابع برجای مانده ارتباط مربوط می‌شود، نخستین بار در مختصر مصباح شیخ طوسی از آن یاد شد.

۱ - فهرستی از آنها را ابوریحان در آثارالباقیه (ترجمهٔ اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳) از منابع زردشتی آورده است. ر. ک: صص ۳۲۵ - ۳۳۳.

پس از آن در منابع دیگر هم وارد گردید. در این مقال سیر ورود آن را در منابع شیعه و موضعگیری فقهای شیعه در باره آن را توضیح خواهیم داد. نکته جالب توجه آنکه در دوره صفوی، آثار فراوانی در زمینه عید نوروز نوشته شد. شیخ آقابزرگ ذیل مدخل نوروزیه، از بیش از پانزده رساله که در دوره صفوی تألیف شده یاد کرده است. در این مقال برآنیم تا بر چند رساله نوروزیه که در این دوره تألیف شده شرحی به دست دهیم.

### مبنای محاسبه روز نوروز

نوروز نخستین روز فروردین ماه شمسی به حساب می آید. محاسبه سال شمسی تا پیش از پیدایش تاریخ جلالی در سال ۴۶۷ یا ۴۷۱، بدین ترتیب بود که سال را دوازده ماه سی روزه تقسیم می کردند که جمعا ۳۶۰ روز می شد. پنج روز باقی مانده را در پایان آبان ماه یا اسفندماه بر آن می افزودند که جمعا ۳۶۵ روز می شد. با این حال پنج ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵/۵۱ ثانیه باقی می ماند. این زمان، در هر چهار سال یک روز می شد و از آنجا که در محاسبه نمی آمد، روز اول فروردین در فصول سال تغییر می کرد. بنابراین این ماههای شمسی نیز در آن زمان، مانند ماههای قمری در فصول سال متغیر بود. معنای این سخن آن است که نوروز در ابتدای فروردین واقعی، یعنی نقطه آغاز اعتدال ربیعی قرار نداشت.

زمانی که یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی، در سال ۶۳۲ میلادی به تخت نشست، روز نخست سال، یعنی اول فروردین در آن تاریخ، مطابق بود با شانزدهم حزیران (ژوئن) (مطابق با ۲۷ خرداد). پس از آن با محاسبه بالا، روز نوروز یا اول فروردین، هر چهار سال، یک روز به عقب می آمد.

در سال ۴۶۷، روز نوروز مطابق دوازدهم حوت یا اسفند بود. در این سال، ملکشاه سلجوقی، دستور داد تا منجمان، محاسبه دقیقی از سال شمسی انجام داده و روز اول فروردین را معین کنند. بر اساس محاسبه خواجه عبدالرحمان خازنی، منجم مرو، عوض آن که بر اساس محاسبه قبلی، روز واقعی دوازدهم اسفند را اول فروردین دانسته شود، اول فروردین را هیجده روز جلوتر برده و در ابتدای اعتدال ربیعی، یعنی فروردین واقعی قرار داد. در محاسبه جدید، هر سال را در چهار نوبت، ۳۶۵ روز محاسبه کرده (دوازده سی روزه به ضمیمه پنج روزه که در آخر ماه آبان یا اسفند افزوده می شد) و سال پنجم را ۳۶۶ روز محاسبه کردند. البته پس از هر هشت دوره چهارساله، سال پنجم را ۳۶۶ قرار می دادند. در این محاسبه آن پنج ساعت و اندکی نیز در محاسبه می آمد. بدین ترتیب، روز نوروز، به عنوان نخستین روز فروردین ماه، از آن سال ثابت ماند. بنابراین، نخستین سالی که روز اول فروردین آن دقیقا مطابق آغاز زمان اعتدال ربیعی بود، سال ۴۶۷ (یا ۴۷۱) بوده است.<sup>۱</sup>

۱ - مجموع آنچه گذشت، از مقالات تقی زاده (گاه شماری در ایران»، ج ۱۰، صص ۳-۶، (به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۷) مقاله همو تحت عنوان نوروز در مجله یادگار سال چهارم، ش ۷، و مدخل نوروز در لغتنامه دهخدا گرفته شده است. در باره اختلاف در اینکه نوروز سلطانی در سال ۴۶۷ بوده یا ۴۷۱ نک: مقالات، ج ۱۰، ص ۱۶۸ پاورقی. توضیحات محیط طباطبائی در باره سیر تقویم در ایران نیز قابل توجه است. وی مشکل سال

دانسته است که سال قمری، به عنوان سالشمار پذیرفته شده در آیینهای دینی در دین مبین اسلام پذیرفته شده و در میان مردم و کتابهای تاریخی مرسوم بوده است. در کنار آن سال شمسی، به دلیل ثبات آن در تعیین فصول، همیشه به عنوان سال مورد استفاده در امر کشاورزی و خراج و جز آن، اهمیت خود را حفظ کرده و در تقویم محاسبه و یاد می شده است. تطبیق این دو روز شمار با یکدیگر در فرهنگهای مختلف همیشه مورد بحث واقع شده و راه حل‌های مختلفی برای آن عرضه شده است. سیری از این تطبیقها در میان تاریخ قمری و شمسی را تقی زاده مورد بحث قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۰۴ شمسی (۱۳۴۳ قمری مطابق ۱۹۲۵ میلادی) در ایران، تقویم شمسی، به عنوان تقویم رسمی پذیرفته شد. محاسبه پیشین که دقیق بود مراعات شد و تنها عوض افزودن پنج روز به سال، شش ماه نخست سال را سی و یک روز، و پنج ماه دوم را سی روز و اسفند را بیست و نه روز قرار دادند که هر چهار سال، سی روز محاسبه می شد. سلی که اسفند آن سی روز بود، آن را سال کیسه نامیدند.<sup>۲</sup> در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبنای محاسبه سال شمسی بوده و سال قمری نیز در کنار آن به عنوان تقویم دینی مورد تأکید قرار گرفت. این بود اجمالی از نوروز در تقویم شمسی. مهمترین نکته آن، این است که نوروز تا سال ۴۶۷ در سال متغیر بوده و پس از آن در آغاز اعتدال ربیعی قرار گرفته و از آن پس تغییری نیافته است.

### نوروز در منابع کهن شیعی

در آغاز باید اشاره کنیم که مقصود از منابع کهن منابعی است که تا زمان شیخ طوسی تألیف شده است. آنچه که در باره نوروز در این منابع آمده، به شرح زیر است:  
نخست آن که نجاشی ذیل شرح حال ابوالحسن نصر بن عامر بن وهب سنجاری نوشته است که وی از ثقات اصحاب است و کتابهایی داشته از جمله کتاب ما ژوی فی یوم النیروز.<sup>۳</sup> روشن نیست حجم روایاتی که وی در این کتاب جمع آوری کرده چه اندازه بوده است. گفتنی است که صاحب بن عباد که باید او را با احتیاط شیعه معتزلی دانست، کتابی با عنوان کتاب الاعیاد و فضائل النیروز داشته است.<sup>۴</sup>

در منابع کهن، چند روایت نیز در باره نوروز آمده، که به این ترتیب است:

۱ - نخست روایتی از ابراهیم کرخی که ضمن آن از امام صادق علیه السلام سؤال شده که شخصی مزرعه بزرگی دارد. در روز مهرگان یا نوروز، هدایایی (از طرف کسانی که بر روی آن کار می کنند) به او داده می شود. آیا بپذیرد؟ حضرت فرمود: آنها که هدیه می دهند مسلمانند؟ ابراهیم

→ ۴۶۷ یا ۴۷۱، مسأله افزودن پنج روزه زائده را به آخر آبان و اسفند را نیز حل کرده است. نک: تاریخ تحولات تقویمی در ایران از نظر نجومی، میراث جاویدان، شماره ۱۴ - ۱۵، صص ۱۰۱ - ۱۰۸.

۱ - مقالات تقی زاده، ج ۱۰ «گاه شماری در ایران قدیم»، فصل پنجم، ص ۱۵۳ به بعد.

۲ - متن تصویبنامه مجلس شورای ملی را که در شب ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۴ شمسی انجام شده و اسناد دیگر در این باره را ببینید در: پیدایش و سیر تحول تقویم هجری شمسی، محمدرضا صیاد، مجله میراث

جاویدان، ش ۱۴، ۱۵، صص ۱۹ - ۱۱۸

۳ - رجال النجاشی، ص ۴۲۸

۴ - الفهرست، ابن الندیم، ص ۱۹۰.

می‌گوید: آری. حضرت فرمود: هدیه آنها را بپذیرد.<sup>۱</sup>

۲ - روایت دیگر چنین است که در روز نورو به امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد: الیوم النیروز. حضرت فرمودند: اصنعوا کل یوم نیروزا هر روز را نورو کنید.<sup>۲</sup> و نقل دیگر همان روایت آن که حضرت فرمود: نیروزنا کل یوم.<sup>۳</sup> این همان روایتی است که در آن گفته شده در روز نورو به آن حضرت، فالوذج هدیه کردند و حضرت این پاسخ را دادند. در حاشیه نسخه‌ای از فهرست این‌ندیم آمده که ثابت بن نعمان بن مرزبان، پدر ابوحنیفه، یا جد او همان کسی بود که فالوذج به امام علی علیه السلام هدیه کرد و حضرت فرمود: نوروژنا کل یوم یا مهرجونا کل یوم.<sup>۴</sup> تعبیری که صاحب دعائم آورده قدری متفاوت است. در آنجا آمده: وقتی فالوذج به امام اهدا شد، حضرت دلیلش را پرسید؛ گفتند: امروز نوروژ است. حضرت فرمود: فنیروزا ان قدرتم کل یوم. یعنی تهادوا و تواصلوا فی الله.<sup>۵</sup> این روایت را بخاری نیز در التاریخ الکبیر آورده است.<sup>۶</sup>

به جز آنچه از من لایحضر نقل شد، در آثار صدوق، اشاره‌ای به نوروژ نشده است. تنها در عیون اخبارالرضا علیه السلام ضمن اشاره به داستان زیدالنار آمده که جعفر بن یحیی برمکی بعد از کشتن ابن افطس علوی، سر وی را همراه هدایای نوروژ نزد هارون فرستاد.<sup>۷</sup> صدوق هیچ اشاره دیگری به نوروژ نکرده است.<sup>۸</sup> گفتنی است که در آثار شیخ مفید نیز، کلمه نوروژ یا نیروز یافت نشد.<sup>۹</sup>

۳ - اشاره شد که در تهذیب طوسی، به بحث هدیه در روز نوروژ و مهرجان<sup>۱۰</sup> اشاره شده بود. جدای از آن شیخ طوسی در مصباح المتعجد، برای نخستین بار بحث از روز نوروژ، به عنوان روزی متبرک که روزه استحبابی و نماز دارد، کرده است. آنچه در مصباح (به نقل از بحار) آمده چنین است:

روی المعلى بن خنيس عن مولانا الصادق علیه السلام فی یوم النیروز قال: اذا کان یوم النیروز فاغتسل و ألبس أنظف ثیابك و تطیب بأطيب طیبك و تكون ذلك الیوم صائما فاذا صلیت النوافل و الظهر و العصر، فصل اربع ركعات، تقرأ فی اول ركعة فاتحة الكتاب و عشر مرات انا انزلناه و...<sup>۱۱</sup> گفتنی است که شیخ روز روز نوروژ را نه در مصباح و نه در مختصر مصباح معین نکرده است.

۴ - ابن ادریس (۵۹۸) در سرائر می‌نویسد: شیخ ما ابو جعفر در مختصر مصباح آورده از چهار رکعت نماز مستحب در نوروژ فرس سخن گفته اما روز آن را معین نکرده، چنانکه ماه آن را

۱ - الکافی، ج ۵، ص ۱۴۱؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ التهذیب، ج ۶، ص ۳۷۸.

۲ - کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰.

۳ - همان.

۴ - الفهرست ابن‌الندیم، ص ۲۵۶؛ الانساب، ج ۳، ص ۳۷.

۵ - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۶.

۶ - عیون اخبارالرضا (ع)، ص ۵۵۰.

۷ - ابن‌استقصاء بر اساس کار رایانه‌ای است که ضمن آن همه آثار صدوق در برنامه‌ای توسط مرکز کامپیوتری علوم اسلامی قابل جستجو است.

۸ - ابن‌جستجو نیز بر همان اساسی است که در باورقی پیشین گذشت.

۹ - عید مهرگان، روز شانزدهم مهرماه برگزار می‌شده است. ر. ک: آثار الباقیه، ص ۳۳۷.

۱۰ - مصباح المتعجد، ص ۵۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۴۶.

از ماههای رومی یا عربی مشخص نکرده است. آنچه برخی از اهل حساب و علمای هیئت و اهل فن در کتابش گفته، این است که روز نوروز دهم ماه ایثار (دهم ماه مه مطابق دوم اردیبهشت) که سی و یک روز است می‌باشد. زمانی که نوروز از آن گذشت، روز نوروز فرا می‌رسد. گفته شده نیروز و نوروز دو لغت است. اما نیروز معتضد که به آن نوروز معتضدی می‌گویند، روز یازدهم حزیران (یازدهم ژوئن مطابق سوم خرداد) است. مردمان سواد و زارعین، در باره امر خراج به وی شکایت کردند و این که قبل از رسیدن محصول، خراج گفته می‌شود و همین سبب بدهکاری آنهاست که خود عامل اجحاف به رعایاست. او مصمم شد که پیش از یازدهم حزیران خراج از کسی مطالبه نکنند. شعری نیز در باره این عمل او سروده شد... همه این مطلب را صولوی در کتاب الاوراق آورده است.<sup>۱</sup>

در دو کتاب دعا که به فارسی در قرن ششم تألیف شده یاد از حدیث معلی بن خنیس در اعمال روز نوروز که مهمترین آنها، گرفتن روز، پوشیدن لباس نیکو و نماز مخصوص است، شده است. این دو مورد از دو متن فارسی شیعی قرن ششم قابل توجه است جز آن که به احتمال قریب به یقین برگرفته از شیخ طوسی است.

۵- در کتاب ذخیره الاخره که مشتمل بر ادعیه بوده و در نیمه نخست قرن ششم تألیف شده، فصلی تحت عنوان عمل روز نوروز فارسیان آمده است. در شرح آن حدیث معلی بن خنیس به این ترتیب نقل شده است:

روایت کند معلی بن خنیس از صادق علیه السلام که گفت: چون روز نوروز بود، روزه دار و غسل کن و جامه پاکترین درپوش و بوی خوش بکار دار و چون نماز پیشین و دیگر و سنتهای آن بگذارد باشی، چهار رکعت نماز کن به دو سلام و بخوان در رکعت اول الحمد و ده بار *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ* و در رکعت دوم الحمد و ده بار *وَدَّ بَارِئًا* و در رکعت سیم الحمد و ده بار *وَدَّ بَارِئًا* و در چهارم رکعت الحمد و ده بار *وَدَّ بَارِئًا* و چون از نماز فارغ گردی تسبیح *سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ* بگویی. چون چنین بکنی خدای تعالی شصت ساله گناه تو بیامرزد. و دعای این است...<sup>۲</sup>

۶- در کتاب نزهة الزاهد نیز که در نیمه دوم قرن ششم یا نیمه نخست قرن هفتم نوشته شده آمده است: نوروز قُوس: امام جعفر صادق علیه السلام گفت: چون روز نوروز در آید غسل کن و جامه پاک‌ترین در پوش و بوی خوش بکار دار و روزه فراگیر و پس از نماز پیشین و دیگر، چهار رکعت نماز کن به دو سلام. پس از الحمد در اول رکعت، ده بار *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ* بخوان و در دوم ده بار *وَدَّ بَارِئًا* یا *يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ* و در سوم ده بار *وَدَّ بَارِئًا* و در چهارم ده بار *وَدَّ بَارِئًا* و چون فارغ شوی سجده شکر کن و این دعا بخوان تا تو را گناه شصت ساله بیامرزد. و دعا این است: *اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ ...*<sup>۳</sup>

۷- قطب الدین راوندی (م ۵۷۳) حدیثی در باره نوروز، در کتاب لب اللباب خود آورده است: عن رسول الله صلى الله عليه وآله: *أبدلكم بيومين يومين، بيوم النيروز و المهرجان، الفطر و الاضحى.*

۱- السرائر، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲- ذخیره الاخره، ص ۱۵۲.

۳- نزهة الزاهد، ۲۸۵.

دوروز را برای شما جانشین دوروز کردم. عید فطر و قربان را بجای عید نوروز و مهرگان قرار دادم.<sup>۱</sup> مناسب است در اینجا بیفزایم که مراسم نوروز در شهرهای شیعه نیز برپا بوده است حداقل دو قصیده از سیدضیاءالدین ابوالرضا فضل الله راوندی از قرن ششم در دست داریم که عید نوروز را به برخی از بزرگان آن ناحیه تبریک گفته است. در یکی از این اشعار آمده:

هذا الربیع و هذه أزهاره  
وافی سواء ليله و نهاره<sup>۲</sup>

۸- ابن شهر آشوب (م ۵۸۸) در مناقب خبری در برخورد منصور با امام کاظم علیه السلام آورده است. وی می نویسد: منصور از امام خواست تا در عید نوروز، بجای او در مجلسی نشسته و هدایایی را که آورده می شد از طرف او بگیرد. امام در پاسخ چنین گفت:

إِنِّي قَدْ فَتَشْتُ الْأَخْبَارَ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ أَجِدْ لِهَذَا الْعِيدِ خَيْرًا؛ إِنَّهُ سُنَّةٌ لِلْقُرَيسِ مَخَاهَا الْأِسْلَامُ وَمَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تُحْيِيَ مَا مَخَاهَا الْأِسْلَامُ.<sup>۳</sup>

من اخباری را که از جدّم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده بررسی کردم و خبری در رابطه با این عید پیدا نکردم. این عید از سنن ایرانیان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده است. به خدا پناه می برم از اینکه چیزی را که اسلام آن را از میان برده دوباره آن را زنده کنم.

صاحب جواهر با توجه به نقل شیخ، ابن فهد، شهید اول و دیگر متأخرین، بر مسلم بودن استحباب روزه روز نوروز تأکید کرده است. سپس نقل بالا را از امام کاظم علیه السلام آورده و گفته است که این نقل نمی تواند معارض ادله استحباب باشد، به علاوه که محتمل است که بر اساس تقیه صادر شده باشد؛ شاید هم مقصود نوروزی جز نوروزی باشد که متفق علیه است.<sup>۴</sup> باید توجه داشت که مستند همه، روایت معلى بن خنيس است. به علاوه، اگر تقیه ای در کار بود، باید امام همان ابتدا موافقت می کرد نه مخالفت. نکته سوم وی نیز واضح البطلان است، زیرا به هر روزی در آن روزگار، یک نوروز بیشتر وجود نداشته است.

این بود آنچه در منابع شیعه تا قرن ششم در باره نوروز نقل شده است. در این باره، مهم همان روایت معلى بن خنيس است و جز آن، چیزی در باره تأیید نوروز به چشم نمی خورد. منشأ آنچه در آثار بعدی در باره استحباب غسل روز نوروز و نماز و دعای مربوطه آمده، همین نص است و بس. البته مطالب دیگری نیز افزوده شده که منشأ آنها را اشاره خواهیم کرد.

### نوروز در منابع اهل سنت

در اینجا بی مناسب نیست، اشاره ای به آنچه در منابع اهل سنت در باره روز نوروز آمده داشته باشیم. بطور کلی باید گفت که این عید، از پس از اسلام مورد توجه حکام اموی و عباسی بوده و بویژه در حوزه شرق، هدایای نوروز به طور مرتب از طرف حکام از کدخدایان دریافت

۱- مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۵۲ از لب اللباب.

۲- دیوان السید ضیاءالدین ابوالرضا فضل الله راوندی (تصحیح محدث ارموی، تهران، ۱۳۷۴ ق)، ص ۶۵ و شعری دیگر در ۱۳۱، و نیز در ص ۱۹۶.

۳- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۷۹؛ مسند الامام کاظم علیه السلام، ج ۱، صص ۵۲-۵۱.

۴- جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۰.

می‌شده است. افزون بر آن کارگرفتن خراج نیز بر اساس نوروز بوده و یکی دوبار در عهد متوکل<sup>۱</sup> و معتضد عباسی،<sup>۲</sup> نوروز تا تیرماه به تأخیر افتاده تا مردم در پرداخت آن گرفتار مشکل نشوند، زیرا در این وقت محصول به دست می‌آمده است. در زمان مقتدر نیز این مشکل به عنوان نوعی ظلم در حق رعایا مطرح بوده است.<sup>۳</sup>

به گزارش یعقوبی، معاویه پس از رسیدن به خلافت، به عبدالرحمن بن ابی‌بکره نوشته است تا هدایای نوروز و مهرگان برای وی ارسال شود.<sup>۴</sup> عمر بن عبدالعزیز، در ردیف کارهای اصلاحی خود این امر را متوقف کرده<sup>۵</sup> و نامه‌ای به یکی از حکام خویش نوشته تا از گرفتن هدایای نوروز و مهرگان خودداری کند.<sup>۶</sup> بعد از وی، یزید بن عبدالملک بار دیگر گرفتن هدایای نوروزی را باب کرده است.<sup>۷</sup> در زمان نصر بن سیار نیز گرفتن هدایا در خراسان مرسوم بوده،<sup>۸</sup> چنانکه در سال ۲۳۶ در فارس.<sup>۹</sup> در باره نوروز و مهرگان در ادب عربی، مقالاتی در زبانهای فرنگی نوشته شده است.<sup>۱۰</sup>

در تمام این دوران، روز نوروز به عنوان یک روز معین برای مسلمانان شرق شناخته شده بوده و به دلیل درگیر بودن آن با امر خراج، موقعیت خود را حفظ کرده است. شاعری در سال ۲۲۰ هجری، روز نوروز را در ردیف دو عید فطر و اضحی قرار داده است:

فأبکوا علی التمر أبکی الله أعینکم فی کل اضحی و فی فطر و نیروز

شواهد وجود دارد که در اواخر قرن سوم، توده مردم در این نواحی، در ایام نوروز به آتش بازی و ریختن آب می‌پرداخته‌اند. حکومت نیز به احتمال تحت تأثیر فقه‌های اهل سنت، با آن مقابله می‌کرده است.

در حوادث سال ۲۸۲ آمده است که در این سال، مردم از آنچه در نوروز عجم، از آتش بازی و ریختن آب و جز آن انجام می‌دادند، منع شدند.<sup>۱۱</sup>

در حوادث سال ۲۸۴ آمده است که روز چهارشنبه، سوم جمادی الثانیه، یازدهم حزیران (ماه ژوئن)، در چهارسوها و بازارهای بغداد، اعلام شد که کسی در شب نوروز حق روشن کردن آتش و ریختن آب را ندارد. روز پنجشنبه نیز همین اعلان، اعلام شد. اما در عصر روز جمعه، در خانه سعید بن یکسین، رئیس شرطه بغداد، در بخش شرقی بغداد، اعلام شد که خلیفه، مردم را در روشن کردن آتش و ریختن آب آزاد گذاشته است. پس از آن توده مردم، حتی بیش از حد به این کار پرداختند. به طوری که بر روی اصحاب شرطه نیز در مجلس جسر (پل) آب ریختند.<sup>۱۲</sup> برگزاری مراسم نوروز نه تنها در شرق اسلامی، بلکه در غرب نیز رواج یافته است. به نقل

۱ - تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۲۱۸ (حوادث سال ۲۴۵).

۲ - همانجا، ج ۱۰، ص ۳۹.

۳ - همانجا، ج ۱۱، ص ۲۰۳ (حوادث سال ۳۰۱).

۴ - تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۶.

۵ - همانجا، ج ۲، ص ۳۰۶.

۶ - تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۶۵۹ (حوادث سال ۱۰۱).

۷ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱۳.

۸ - تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۲۷۷.

۹ - همانجا، ج ۹، ص ۱۸۴ (حوادث سال ۲۳۶).

۱۰ - مقالات تقی‌زاده، ج ۱۰، ص ۱۵۵.

۱۱ - تاریخ الطبری، ج ۱۰، ص ۳۹.

۱۲ - همانجا، ج ۱۰، ص ۵۳.

مقریزیه در سال ۳۶۳ هجری، المعزالدین الله، خلیفه فاطمی مصر، دستور داد تا از روشن کردن آتش در شب نوروز و همچنین ریختن آب خودداری کنند. در همانجا آمده است که در سال ۳۶۱، آتش بازی گسترده‌ای در قاهره انجام شده و این کار سه روز ادامه یافته است. بدنیال بود، معز فاطمی مردم را از روشن کردن آتش و ریختن آب منع کرده و کسانی را نیز گرفته و حبس کردند.<sup>۱</sup> همو آورده است که در سال ۵۱۷ هجری نیز در روز نوروز هدایای گرانبهایی از طرف امرا تقدیم شده که بسیار بسیار مفصل و گرانبیست بوده است.<sup>۲</sup> همو در سالهای بعد از آن روز، که از آن با عنوان نوروز قبطی یاد شده، از گستردگی بازی و کارهای ضد اخلاق و گرفتن هدیه توسط امیر نوروز و جز آن سخن گفته است.<sup>۳</sup> در منابع فقهی اهل سنت هم، مخالفت با نوروز دیده می‌شود. از جمله غزالی در کیمیای سعادت بر ضد نوروز سخن گفته است.<sup>۴</sup> در منبع دیگری، گفته شده است: روزه گرفتن روز شنبه، کراهت دارد چون تشبه به یهود است. نیز روزه گرفتن نوروز و مهرگان، چرا که آن هم تشبه به مجوس است.<sup>۵</sup> این قدامه نیز نوشته است: روزه گرفتن نوروز و مهرگان کراهت دارد، زیرا این ها، روزهایی است که کفار آن را بزرگ می‌شمردند.<sup>۶</sup> گفتنی است که گروه طالبان که در حال حاضر بر افغانستان حاکم‌اند، امسال (۱۳۷۶) اعلام کردند که برگزاری مراسم نوروز بر خلاف اسلام بوده و نباید تعطیل شود.

### نوروز در منابع شیعی قرن هفتم به بعد

همانگونه که گذشت، منابع بعدی، با تکیه بر سخن شیخ، به بیان اعمال روز نوروز در کنار اعیاد دیگر پرداخته‌اند. اما بحث مهم از این زمان به بعد، بحث از تعیین روز نوروز است. کسانی از فقیهان برای تعیین روز نوروز کوششهایی کرده‌اند. از آن جمله شهید اول (م ۷۸۶) در کتاب ذکری الشیعه است. وی در آنجا با اشاره به روایت معلی بن خنیس نوشته است که مقصود از نوروز یا اول سال فارسیان یا وارد شدن خورشید در برج حمل (فروردین) و یا دهم ایار (دوم اردیبهشت) است. بدین ترتیب سه قول در این باره نقل کرده که تفصیل آن در سخن ابن فهد آمده است. عبارت مفصل در تعیین روز نوروز از احمد بن محمد بن فهد حلی (م ۸۴۱) است. وی با اشاره به سخن شیخ طوسی در مختصر مصباح المتعجد و چهار رکعت نماز مستحبی آن می‌نویسد: «یوم النیروز جلیل القدر اما تعیین روز آن از سال مشکل است. این در حالی است که چون متعلق عبادت الهی شده شناخت آن مهم است و با این حال، از علمای ما جز آنچه ابن ادریس گفته متعرض بیان آن نشده است.» سپس ابن فهد سخن ابن ادریس و شهید را آورده است. آنگاه در باره سخن شهید که گفته روز نوروز یا اول سال فارسیان یا رفتن خورشید به برج حمل است می‌نویسد: قول نخست وی که اول سال فارسیان باشد همان است که در میان فقهای عجم مشهور است. آنها نوروز را زمان وارد شدن خورشید به برج جدی (دی ماه) قرار می‌دهند.<sup>۷</sup>

- ۱ - الخطط المقریزیه، ج ۱، ص ۲۶۸.  
 ۲ - همانجا، صص ۲۶۸ - ۲۶۹.  
 ۳ - همانجا، ص ۲۶۹.  
 ۴ - ر.ک: مقالات تقی زاده، ج ۱۰، ص ۱۵۳.  
 ۵ - بدائع الصنایع، ج ۲، ص ۷۹.  
 ۶ - المغنی، ج ۳، ص ۹۹.  
 ۷ - در اصل باید گفت درست آن، آن است که اول سال فرس، اول برج عقرب یا آبان ماه بوده است.



این همان است که نویسنده کتاب الانواء آن را گفته است.<sup>۱</sup> پس از آن سخن صاحب الانواء را نقل کرده. آنگاه می‌افزاید: آنچه از این تفاسیر درست‌تر است، آن که نوروز همان زمان وارد شدن خورشید به برج حمل (فروردین) است. سپس دلائلی برای آن ذکر می‌کند. مهمترین دلیل آن که شناخت این روز به عنوان نوروز میان مردم رایج است و طبعا خطاب باید راجع به همین عرف باشد. آنگاه خود دو اشکال بر این دلیل آورده؛ یکی آن که در همه مناطق عجم، نوروز بر روز اول ورود خورشید در حمل اطلاق نمی‌شود و دوم آن که نوروز بودن روز نخست ماه حمل، نوروز سلطانی است و جدید است. این اشاره به تغییر روز نوروز در زمان سلطان ملک‌شاه سلجوقی است. پاسخ این فهد آن است که وقتی عرف مختلف شد، عرف شرعی باید مراعات شود. اگر چنین عرفی در کار نبود، عرف نزدیکترین بلاد به شرع باید مراعات شود. افزون بر آن، هر دو تفسیر از نوروز - اعم از سلطانی و غیر آن - مربوط به پیش از اسلام است.<sup>۲</sup>

نکته مهم در مطالب ابن‌فهد آن است که روایت معلی بن خنیس را به گونه‌ای دیگر نقل کرده و شکل مفصل آن را آورده است. وی از نسابه معاصر خود علامه بهاء‌الدین علی بن عبدالحمید نسابه - و او به سند خود تا معلی بن خنیس - روایت مفصلی را در باره روز نوروز آورده است. این روایت پیش از این زمان، در منابع دیگر شیعی نبوده است. روایت چنین است که معلی نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: روز نوروز، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، برای امام علی علیه السلام در غدیر پیمان گرفت و مردم به ولایت او اعتراف کردند. خوشا به حال کسی که بر آن پیمان باقی ماند و بدا به حال کسی که آن عهد را شکست. روز نوروز، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امام علی علیه السلام را به وادی جن فرستاد و او بر آنها عهدها و پیمانها گرفت. روز نوروز، روزی است که امام علی علیه السلام بر خوارج غلبه یافت و ذوالثدیه را کشت. روز نوروز، روزی است که قائم ما از اهل بیت علیهم السلام قیام خواهد کرد و خداوند او را بر دجال پیروز خواهد نمود و دجال را بر کناسه کوفه بدار خواهد زد. هیچ نوروزی نخواهد آمد جز آن که ما انتظار فرجی در آن داریم. این از روزهای متعلق به ماست که فارسیان آن را حفظ کردند و شما (عربها) آن را ضایع کردید. یکی از انبیای بنی‌اسرائیل از خدایش خواست تا قومی را که چندین هزار بودند و از ترس مرگ از دیارشان خارج شده بودند و خداوند آنها را میرانده بود، زنده کند. خداوند به وی فرمود: بر قبرهای آنان آب بریز. او در این روز، بر قبور آنها آب ریخت و آنها که سی هزار تن بودند زنده شدند. همین امر سبب شد تا ریخت آب در روز نوروز سنت شود، امری که سبب آن را جز راسخان در علم نمی‌دانند. روز نوروز، اول سال فارسیان است. معلی می‌افزاید: آن حضرت این مطالب را بر من املا کرد و من از املائی آن حضرت آن را نوشتم.<sup>۳</sup>

ابن‌فهد، به دنبال آن، روایت دیگری از معلی نقل کرده است. در این روایت آمده است که امام صادق علیه السلام در صبحگاه نوروزی که معلی به خدمت آن حضرت رسیده بود، از ایشان شنید

۱ - تاکنون بر ما روشن نشده که این کتاب که در باره دانش نجوم بوده، از کیست. دهها کتاب با این نام در فهرست ابن‌ندیم شناسانده شده است. محتمل است که مقصود کتاب الانواء احمد بن عبدالله نفی (م ۳۱۹) باشد.

۲ - المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۱، صص ۱۹۱ - ۱۹۳ (چاپ انتشارات اسلامی، قم ۱۴۱۴).

۳ - المذهب، ج ۱، صص ۱۹۴ - ۱۹۵.

که: روز نوروز، روزی است که خوانند از بندگانش پیمان گرفت تا او را عبادت کرده به وی شرک نوزند و به انبیبای او، حجج او و اولیای او ایمان بیاورند. روز نوروز، نخستین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد و بادهای وزیدن گرفت و در زمین شکوفه پدید آمد (و خلقت فیه زهرة الارض ....). روز نوروز، روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی فرونشست و روزی است که خداوند کسانى را که از ترس مرگ از سرزمینشان خارج شده و مرده بودند زنده کرد. و روزی است که جبرئیل بر رسول خدا ﷺ فرود آمد. و روزی است که ابراهیم پتهای قومش را شکست. و روزی است که رسول خدا ﷺ امام علی عليه السلام را بر دوش گرفت تا پتهای قریش را در مسجد الحرام شکست.<sup>۱</sup>

ابن فهد به چهار نکته در این دو روایت توجه کرده. یکی تطبیق روز نوروز با روز غدیر یعنی هیجده ذی حجه سال دهم هجرت است. دوم سنت آب ریختن که در بهار معنا دارد نه در ماه جدی (دی ماه). سوم خلقت خورشید در این روز که با سخن منجمان سازگار است و چهارم شکوفه دادن زمین که باز در فروردین است نه در دی ماه.<sup>۲</sup> بدین ترتیب وی خواسته تا از این روایت نتیجه بگیرد که روز نوروز همان زمان ورود خورشید به حقل یعنی آغاز فروردین ماه است. به نظر می رسد این قدیمی ترین بحثی است که در کتابهای فقهی شیعه در تعیین روز نوروز شده و بعد از آن در دوره صفوی مکرر مورد نقد و ایراد قرار گرفته است.

مشکل این دو حدیث آن است که در منابع کهن شیعه نیامده است. افزون بر آن، روایات مزبور که در اصل باید یکی باشد، حاوی دو نوع آگاهی در باره روز نوروز است که این خود منشأ شبهه در باره آن شده و احتمال جعل آن را تقویت می کند. افزون بر آن، دانسته است که، ابن غضائری گفته: غالبان روایاتی را به معلى بن خنیس نسبت داده و نمی توان بر اخبار وی اعتماد کرد.<sup>۳</sup> در این صورت، این روایت که بی گرایش غالبانه یا نگرش افراطی هم نیست، از همان دسته معمولاتی باشد که غالبان به معلى نسبت داده اند. باید این نکته را نیز یادآوری کرد که گفته شده قرامطه - گرایشی وابسته به مذهب افراطی اسماعیلیه - دو روز را در سال که نوروز و مهرگان بوده، روزه می گرفته اند.<sup>۴</sup> بلافاصله باید تأکید کنیم که مجوسیان، نه تنها نوروز را روزه نمی گرفته اند، بلکه به نقل بیرونی، اساساً «مجوس را روزه ای نیست و هر کس از ایشان روزه بگیرد گناه کرده است»<sup>۵</sup>.

یاد از این نکته لازم است که بخش ریخت آب روی مردگان که به یکی از انبیبای بنی اسرائیل نسبت داده شده، در روایتی از ابن عباس آمده است.<sup>۶</sup> در همانجا آمده که وقتی از

۱ - المذهب، ج ۱، صص ۱۹۵ - ۱۹۶.

۲ - المذهب، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳ - مجمع الرجال، قهپانی، ج ۶، ص ۱۱۰.

۴ - آثار الباقیه، ص ۳۵۷.

۵ - الخطط المقریبه، ج ۱، ص ۲۶۸؛ آثار الباقیه، ص ۳۲۵. متن حدیث را بیرونی چنین آورده: نقل شده که در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود، برای پیغمبر (ص) به هدیه آوردند و آن حضرت پرسید نه این چیست؟ گفتند: امروز روز نوروز است. پرسید که، نوروز چیست؟ گفتند: عید بزرگ ایرانیان است. فرمود: آری، در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند: عسکره چیست؟ فرمود: عسکره هزاران مردمی بودند که از



نسخه خطی / شماره ۱۱۰

مأمون در باره سنت آب‌پاشی در روز نوروز سؤال شد، نوروز را همان روزی دانست که آن مردگان از قوم بنی اسرائیل در آن زنده شدند. تواند بود که این روایت از اسرائیلیات نیز باشد که در جامعه اسلامی به نوعی با عقائد رایج پیوند داده شده است.

از همه اینها گذشته، شاید تأویل دیگری برای این روایت بتوان جستجو کرد و آن این که - در صورت درستی صدور آن از امام صادق علیه السلام - شاید امام، خواسته‌اند بفرمایند که اصولاً هر روزی که نشانی از پیروزی آیین الهی در آن باشد، نوروز است. درست همان طور که در یکی از روایات سابق الذکر آمده بود که امام علی علیه السلام فرمود: هر روز ما را نوروز کنید. این معنا برای نوروز، کاملاً مطابق تعبیر ایام الله است که در قرآن به روزهای متعلق به خداوند اطلاق شده است. البته با این تأویل باید، آنچه در روایت در باره نوروز فارسیان آمده، قدری اصلاح شود. گزارش برخی از رساله‌های دوره صفوی، اشکالات دیگری بر متن این خبر وارد شده که به موقع اشاره خواهیم کرد.

### نوروز و نوروزیه‌های دوره صفوی

چنین به نظر می‌رسد که نوروز، در فرهنگ مسلمانان شرقی، حتی با وجود مخالفت‌های برخی از فقهای سنی‌مذهب، دوام آورده است. عجیب آن که برخی از آداب و رسوم خاص آن مانند چهارشنبه سوری و سیزده بدر که از پیش از اسلام وجود داشته، و بی‌پایگی آن از نگاه اسلام بر همه روشن بوده، به دلیل همسویی نوروز با طبیعت و نیز دخالت آن در تعیین خراج سالانه، همچنان حفظ شده است. حضور این عید در بخش وسیعی از دنیای اسلام در حال حاضر، از نواحی عراق و ترکیه گرفته تا جمهوری آذربایجان، جمهوریهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و طبعاً ایران، نشان آن است که پیش از تشکیل دولت صفوی، این عید مورد اعتنای کامل بوده است. در اینجا باید دو نکته را مورد توجه قرار داد:

نخست آن که در دوره صفوی، تاریخ قمری و شمسی رواج داشته و طبعاً مراسم نوروز برگزار می‌شده است. اولتاریوس در آن عهد چنین نوشته: «ایرانی‌ها سال خود را برحسب حرکت خورشید و ماه تعیین و تنظیم می‌کنند و به همین جهت دارای دو نوع سال شمسی و قمری می‌باشند. سال قمری از نظر مذهبی برایشان اهمیت دارد که اعیاد و روزهای سوگواری خود را برحسب آن سال تعیین می‌کنند.» وی پس از آن اشاره کرده که ایرانیان، عمر خود را برحسب سال شمسی محاسبه کرده و مثلاً می‌گویند که فلان مقدار نوروز از عمر آنها گذشته است. وی چهارشنبه آخر سال را که چهارشنبه سوری بوده، از ایام مورد توجه مردم یاد کرده و گفته است که مردم آن را بدترین روزهای سال دانسته کار را تعطیل می‌کنند «از خانه کمتر خارج شده و حتی المقدر کمتر حرف می‌زنند و سعی می‌کنند به کسی پولی ندهند ... عده‌ای هم کوزه‌های خود را برداشته ... به خارج شهر رفته و وزه را از آب پر کرده و آن را می‌آورند و به خانه و اطاقهای خود

→ ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مردند. سپس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که به آنان ببارد. از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت: کاش هر روزی برای ما نوروز بود.

۱ - سفرنامه اولتاریوس، (ترجمه حسین کردبچه، تهران، کتاب برای همه، ۱۳۶۹) ج ۲، ص ۶۹۰.

می‌باشند و عقیده دارند که چون آب، صاف و پاک است، پلیدیها و بدبختیها را از خانه شسته با خود می‌برد...<sup>۱</sup> تاورنیه نیز از عید نوروز به با این عبارت که از اعیاد بزرگ ایرانیان است سخن گفته و می‌نویسد: در این روز تمام بزرگان برای سلام شاه به دربار حاضر می‌شوند و هر کس به اندازه شأنش باید ارمغان و پیشکشی به شاه بدهد... و در این روز شاه ثروت گزافی به دست می‌آورد... برای روز اول سال، اگر یک ایرانی اتفاقاً پول نداشته باشد که قبای نو تدارک نماید، اگر باید تن خود را گرو بگذارد می‌گذارد و قبای نو را حتماً به دست می‌آورد.<sup>۲</sup> شواهد فراوانی در باره اهمیت برگزاری مراسم نوروز در میان ایرانیان در دوره صفوی در دست است که نیازی به نقل آنها نیست.

نکته دوم آن که این مسأله را باید از زاویه دیگری نیز مورد توجه قرار داد و آن این که با پیدایش دولت شیعی، طبیعی بود که روزهایی که در فرهنگ فقهی و تاریخی شیعه، از اهمیتی برخوردار است بزرگ داشته شده و به عنوان شعائر شیعی بزرگ داشته شود. این روزها، یا روزها عزا و مصیبت بودند و یا روزهای شادی و فرح. نوع دیگر، روزهایی بود که در تقویم مذهبی، عباداتی برای آنها در نظر گرفته شده بود. با توجه به اختلافاتی که در تعیین این روزها وجود داشت، لازم بود تا تحقیقی در باره تعیین روز دقیق آنها صورت گیرد. به عنوان نمونه چندین رساله مولودیه نوشته شد تا اثبات شود تولد رسول خدا ﷺ در دوازدهم ربیع الاول بوده یا در هفدهم آن.<sup>۳</sup> همینطور رساله‌ای به دستور شاه سلطان حسین صفوی نوشته شد با عنوان هدایة الصالحین در اثبات آن که تولد امام علی علیه السلام در سیزدهم رجب بوده و سایر اقوال نادرست است.<sup>۴</sup> به علاوه، مردم نیاز به تقویمهایی داشتند تا به معرفی این روزها پرداخته و آداب و عبادات ویژه آنها را بیان کنند. نمونه آن کتاب تقویم المحسنین فی معرفة الساعات و الايام و الاسبوع از فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) و اختیارات علامه مجلسی (م ۱۱۱۰) است. باید اعتقاد به خوبی و بدی ساعات را هم به این مطالب افزود و رساله‌هایی که به این مسائل هم پرداخته به آنچه گذشت، اضافه کرد. مجموع این مسائل، جریانی را در تألیف پدید آورد که به نوعی با بحث تقویم ارتباط می‌یافت.

با توجه به آنچه در آغاز بحث در باره تفاوت نوروز قدیم با نوروز جلالی گفته شد، بحث از تعیین روز نوروز و این که آیا نوروز وارد شده در روایات، همین نوروز مرسوم است یا نه، در میان علما بالا گرفت. پیش از آن نیز، همانطور که گذشت، ابن فهد در قرن نهم، نسبتاً مفصل به آن پرداخته بود. استدلالهایی که در این قبیل رساله‌ها آمده، به طور عمده بر پایه مطالب نجومی، تاریخی و نیز روایاتی است که به آنها اشاره کردیم. افتندی با اشاره به رساله میرزا ابراهیم حسینی می‌نویسد: او رساله‌ای نوشت که نوروز، درست همین روزی است که اکنون مرسوم است. آقا رضی قزوینی رساله‌ای در انکار این مطالب نوشت. همین طور محمدحسین بن میرزا ابوالحسن

۱ - سفرنامه اولتاریوسن، ج ۲، ص ۴۶۶.

۲ - سفرنامه تاورنیه، (ترجمه ابوتراب نوری، تهران، سنایی، ۱۳۳۶) ص ۶۳۵.

۳ - ذریعه ج ۲۳، صص ۲۷۵ - ۲۷۶.

۴ - فهرست کتابخانه مجلس، ج ۱۰، ص ۱۷۳۷. به احتمال قوی این رساله از محمدباقر بن اسماعیل خاتون آبادی (۱۱۲۷م) باید باشد.

قائمی و میرزا رضی الدین محمد مستوفی خاصه اصفهان دو رساله در تأیید تطبیق روز نوروز وارد شده در روایات با آنچه مرسوم است نوشتند. افندی می نویسد: و قد صارت هذه المسألة مطرحة لآراء الفضلاء.<sup>۱</sup>

در این دوره افزون بر بحثهای نجومی و اصولی و فقهی در این باره، یکی دو روایت دیگر در باره نوروز که در منابع پیشین شناخته شده نیامده، مطرح گردید. یک روایت را مرحوم علامه مجلسی در بحار بدون آن که نام منبعش را یاد کند، با این عبارت که: رأیت فی بعض الكتب المعتمرة آورده و سندی بر آن از همان کتاب نقل کرده است. راوی این روایت معلی بن خنیس است اما نه در حد چند سطری که در مصباح شیخ آمده و یا یکی دو صفحه‌ای که در المهدب ابن فهد آمده، بلکه ده صفحه بحار را به خود اختصاص داده است.<sup>۲</sup> آنچه در این روایت افزون بر نقل ابن فهد آمده، تفصیلی است که معلی از امام خواسته تا نامهای فارسی سی روز ماه را بیان کند. به دنبال آن سی نام فارسی همچون هرمزد روز، بهمن روز، اردی بهشت روز و... آمده است. علامه مجلسی روایت مزبور را بار دیگر از منبع دیگری آورده اما در آنجا نیز نام منبع یاد نشده، بلکه آمده است: وجدت فی بعض كتب المنجمین مرویاً عن الصادق علیه السلام... در این نقل، بخش اول سخن امام با معلی نیامده بلکه تنها نامهای ایرانی سی روز آمده است.<sup>۳</sup> نیز همان روایت را نقل کرده بدون نام منبع و تنها با عبارت: و روی ایضاً فی بعض الكتب...<sup>۴</sup> جالب آن که علامه پس از نقل این سه روایت می نویسد: این روایات را ما از کتابهای منجمان نقل کردیم، زیرا از ائمه ما روایت کرده بودند اما من بر آنها اعتمادی ندارم. در نسخ آنها نیز اختلافاتی زیادی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره کردم. حقیقت آن است که این اسامی برای سی روز از منجمان بوده و روشن نیست به چه دلیل به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است. علامه مجلسی به نقل از ابوریحان - و قاعدتا از الآثار الباقیه - آن نامهای ایرانی را آورده است.<sup>۵</sup>

افزون بر این روایت، نقل دیگری هم در دوره صفوی مطرح بوده و آن این است که هفت سلام به مشک و زعفران نوشتن و غسل آن را نوشیدن و چهل مرتبه سوره یس را بر انار خواندن و شصت مرتبه این دعا را خواندن که یا محوّل الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال. این نقل را آقارضا قزوینی آورده و افزوده که در جایی معتبر به نظر نرسیده است.<sup>۶</sup>

### فهرست نوروزیه‌ها

- ۱ - النوروزیه، مؤلف ناشناخته. تألیف شده به نام شاه طهماسب. ملامحمد جعفر فرزند محقق سبزواری از آن نقل کرده است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۲، ش ۲۰۵۴
- ۲ - النوروز، محمد ابراهیم الحسینی المدرّس الخادم، (رد بر نوروزیه آقا رضی قزوینی) ذریعه، ۲۴ / ۳۷۹، ش ۲۰۴۰ و نک: ش ۲۰۴۹

۱ - ریاض العلماء، ج ۱، ص ۶.

۲ - همانجا، ج ۵۹، صص ۱۰۱-۱۰۵.

۳ - همانجا، ص ۱۱.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۹۱-۱۰۰.

۵ - همانجا، ص ۱۰۷.

۶ - مرحوم شیخ عباس قمی هم آن را به نقل از «کتب غیر مشهوره» آورده و صورت دیگر آن را یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محوّل الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال یاد کرده است.

- ۳- نوروز، همان رساله به فارسی.
- ۴- نوروزیه، محمد تقی بن محمد رضا رازی. تألیف شده به اسم شاه صفی (سلطنت از ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲). نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه (فهرست ۱۲ / ۲۵۱۷) و کتابخانه ملک موجود است. ذریعه، ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۳
- ۵- نوروز و سی روز، فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)، در شرح فارسی حدیث معلی بن خنیس. فیض چندین رساله در تقویم دعایی دارد. از جمله تقویم المحسنین و معیار الساعات. رساله نوروز و سی روز را دکتر معین همراه گفتاری تحت عنوان روز شماری در ایران باستان در سال ۱۳۲۵ شمسی (توسط انجمن ایران شناسی) چاپ کرده است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۰، ش ۲۰۴۸
- ۶- نوروزیه، اسماعیل بن محمد باقر خاتون آبادی (م ۱۱۱۶)، تألیف شده به نام شاه سلیمان صفوی در یک مقدمه، دوازده باب و یک خاتمه. ذریعه، ۲۴ / ۲۰۵۱
- ۷- نوروزیه، محمد باقر بن اسماعیل خاتون آبادی (م ۱۱۲۷)، تألیف شده به نام شاه سلطان حسین صفوی. نسخه آن در دانشگاه تهران (فهرست ۲ / ۱۲۶۶) موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۷۹، ش ۲۰۴۲
- ۸- نوروزیه، ملا باقر بن اسماعیل کجوری. گفته شده در این رساله، مؤلف میرمخدوم شریفی را که در نواقض الروافض بر ضد غدیر و نوروز سخن گفته رد کرده است. آقابزرگ نسخه‌ای از آن شناسانده است. ذریعه، ۲۴ / ۳۸۲، ش ۲۰۵۲
- ۹- نوروزیه، ملا محمد جعفر بن محمد باقر سبزواری. نسخه‌ای شخصی از آن را آقابزرگ دیده و عبارت نخست آن را آورده است. ذریعه ۱۴ / ۳۸۲، ش ۲۰۵۵
- ۱۰- نوروزیه، مؤلف؟ نسخه‌ای از این رساله به شماره ۱۰۱۵ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود است و در آن تاریخ ۱۰۸۴ آمده است.
- ۱۱- نوروزیه، آقارضی قزوینی. بسیاری بر این رساله رد نوشته‌اند. نسخه‌ای از آن به خط مؤلف در کتابخانه ملی موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۸
- ۱۲- نوروزیه، میرمحمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی. نسخه‌ای از آن در کتابخانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۶
- ۱۳- نوروزیه، میرزا محمد حسین بن میرزا ابوالحسن قاشنی. ردی است بر رساله آقارضی قزوینی. ذریعه ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۷
- ۱۴- نوروزیه، رضی الدین محمد مستوفی در رد بر آقا رضی. آقابزرگ نسخه‌ای از آن شناسانده است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۹
- ۱۵- نوروزیه، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۶، صص ۹۱-۱۴۳. این مدخل، گرچه رساله مستقلی نیست، اما، به دلیل آن که مرحوم مجلسی مفصل در این باره سخن گفته، در اینجا معرفی شد.
- ۱۶- رساله در فضیلت روز نوروز، مؤلف؟ نسخه‌ای از آن در نه برگ در کتابخانه مسجد اعظم (فهرست، ص ۴۵۹) موجود است.
- ۱۷- نوروزنامه، مؤلف؟ نسخه آن در کتابخانه مسجد اعظم (فهرست، ص ۵۷۲) موجود است.
- ۱۸- نوروزنامه، مؤلف؟ نسخه آن در کتابخانه آیه‌الله گلپایگانی (فهرست، ۳ / ۷۹) موجود است.
- ۱۹- نوروزیه، عماد الدین محمود بن مسعود. تألیف شده بنام سلطان حمزه میرزا.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه وزیر یزد (فهرست، ۴ / ۱۱۶۷، ش ۲۱۰۷) موجود است. در آنجا از مؤلف به عنوان جالینوس ثانی یاد شده است. نیز مطالب آن در رساله خواجه‌جویی که ناظر به آن رساله تألیف شده آمده است.

۲۰ - نوروزیه، ملا اسماعیل خواجه‌جویی (م ۱۱۷۳). شرح و نقدی است بر رساله عمادالدین بن مسعود. ذریعه ۲۴ / ۳۸۱، ش ۲۰۵۰ (این رساله را آقای سیدمهدی رجایی در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم چاپ کرده است).

۲۱ - نظم حدیث معلی بن خنیس منسوب به خواجه در کتاب سی روز و نوروز فیض کاشانی آمده و بیت اول آن چنین است:

بِقَوْلِ جَعْفَرِ صَادِقٍ خُلَاصَةُ سَادَاتِ زَمَانِ فَارَسِيَانِ هَفْتِ رُوزِ مَذْمُومِ اسْتِ<sup>۱</sup>

۲۲ - نوروزیه، میرزا محمد مهدی بن هدایه‌الله خراسانی (۱۱۵۲ - ۱۲۱۷) ردی است بر رساله خواجه‌جویی. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس (فهرست ۹ / ۳۲۲ - ۳۲۶. فهرست نویس محترم به تفصیل گزارش آن را آورده) موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۴، ش ۲۰۶۲

۲۳ - نوروزیه، غیاث الدین ادیب کاشانی، معاصر ناصرالدین شاه قاجار. در این رساله اقوال پیشینیان آمده و بررسی شده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی (فهرست ۱ / ۳۹۹) موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۴، ش ۲۰۶۰

در فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱ / ۳۶۷ چندین رساله نوروزیه که مؤلف آنها ناشناخته است، معرفی شده است.

### گزارش رساله آقارضی قزوینی

از رساله‌های نوروزیه کوتاه این دوره که مورد انتقاد برخی قرار گرفته، رساله نوروزیه آقارضی قزوینی است که آن را در سال ۱۰۶۲ هجری نگاشته است. عقیده وی آن است که نوروز در روایات، به هیچ یک از اقوالی که در باب تعیین نوروز گفته شده قابل تطبیق نیست. عجیب آن که وی به هر روی راه حل صریحی به دست نداده است. در اینجا مهمترین بخش رساله را که به طور عمده در انکار تطبیق نوروز رایج با نوروز یاد شده در روایات است می‌آوریم.

آقارضی ابتدا حدیث معلی بن خنیس را، آن گونه که شیخ آورده نقل کرده؛ آنگاه با نقل روایت مربوط به دعای یا محوّل الحول و الاحوال، و یاد از این نکته که در جای معتبری آن را ندیده، می‌نویسد: با اشاره به استحباب اعمال مذکوره در نوروز و این که این اعمال موقته است و در امثال این عبادات اگر التزام وقت خاص نشود و در اوقات دیگر به عمل آید بدعت باشد می‌افزاید: «بنا بر این تعبد به این عمل مکلفی تواند که لا اقل ظنی به تعیین وقت مذکور تحصیل کرده باشد و تحصیل این ظن لامحاله از امارات شرعیه و عرفیه تواند بود. و چون در عرف به اعتبار اختلاف اصطلاحات حسابیه، نوروز متعدد است، چنانکه بعضی از آن بعد از این مذکور می‌گردد، و شهریه بعضی به بعضی از منته اماره نمی‌شود و در ظاهر قرآن چیزی در این باب نیست، اماره آن از روایات و اخبار تتبع باید نمود.» وی آنگاه نقلی را که این فهد در المذهب آورده و ضمن آن به تطبیق روز غدیر با نوروز و همینطور روز شکستن بتها با آن شده آورده و در پایان ترجمه آن نقل می‌نویسد: «روز اول سال فرس که صریح خاتمه حدیث است، چنانکه با اماره‌ای

که در صدر حدیث مذکور است موافق باشد، صعوبتی تمام دارد و وجهش عن قریب ظاهر خواهد شد.»

پس از آن سخن ابن‌ادریس را در تعیین روز نوروز آورده که گفته است این روز همان دهم ماه ایثار رومی است. آقارضی به تفصیل در نادرستی این نظر سخن می‌گوید. وی می‌نویسد: آنچه از بعضی از محصلین نقل کرده، اگر مراد این باشد که نوروز عبارت از روز دهم ایثار است ظاهر البطلان است چه اطلاق لفظ نوروز بر آن به هیچ اصطلاح متعارف نیست. و اگر مطلب این باشد که در سالی از سالها مطابق دهم ایثار بوده کلام بی‌فائده است. و اگر مراد این باشد که همیشه مطابق دهم ایثار است این نیز باطل است. و تفصیل بیان آن که اهل قُرس به اتفاق علمای هیئت و حساب، تا ظهور جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی در سال شمسی دو اصطلاح داشته‌اند. اول اصطلاح قدیم که مبدأ آن از زمان حمشید بوده و بناء حساب آن بر رصدی موافق رصد ابرخس است که مدت یک دوره شمس را به حرکت خاصه ۳۶۵ روز و ربعی یافته و طریق آن بوده که هر سال از ۱۱۹ سال را ۳۶۵ روز گیرند و در سال ۱۲۰ به جهت کیسه و اصلاح ربع، یک ماه افزایند که آن سال ۳۹۵ روز شود. و نقل کرده‌اند که جلوس هر پادشاهی در هر وقت که اتفاق افتادی، مبدأ ساختندی و به تتمه سابق نپرداختندی و ضبط سال به این اصطلاح در زمان ما بلکه از زمان یزدجرد متروک است. دیگر اصطلاح جدید که الیوم به تاریخ قدیم مشهور است و در تقاویم ضبط می‌کنند و مبدأ آن از جلوس یزدجرد شهریار است که در ربیع الاول احدی عشر من الهجرة بوده است و هر سال ایشان ۳۶۵ روز است بی‌زیاده و نقصان و دست از اصطلاح کسر بالکلیه برداشتند و لهذا اول سال ایشان در جمیع فصول اتفاق می‌افتد و در عهد سلطان ملک‌شاه بناء حساب سال را بر رصد بطلموس ... که سال شمسی را ۳۶۵ روز و پنج ساعت و نیم و کسری یافته‌اند نهادند و روز جمعه دهم رمضان سنه ۴۷۱ که شمس قبل از وصول به نصف النهار از حوت نقل به حمل کرده بود اول فروردین ماه و روز نوروز نامیدند. و به سبب اعتبار که در هر سال نوروز از دایر بودن در فصول یا اجزای آن چنانچه از اصطلاحین سابقین لازم می‌آید ضبط کردند و اشهر اصطلاحات نوروز در زمان ما این است اما هیچ یک از این اصطلاحات ثلاثه با حساب روم موافق نیست، چه اصطلاح روم که ابتدای آن از عهد اسکندر است یا دوازده سال بعد آن، اگرچه در این معنی که نزد ایشان رصد ابرخس معتبر است با اصطلاحین اولین موافق است اما در طریق اصلاح کسر با هیچ یک موافقت ندارد، چه در طریق ایشان، چنانکه الحال نیز مشهور است و منجمان در تقاویم ضبط می‌کنند هر سال را ۳۶۵ گیرند تا سه سال و سال چهارم را ۳۶۶. پس تعیین نوروز قُرس با یکی از ایام مشهور سال رومی که مخالف جمیع اصطلاحات قُرس است خطا باشد.

و قطع نظر از این مخالفت با آنچه در صدر حدیث سابق مذکور شد که در این روز پیغمبر ﷺ عهد گرفت به غدیر خم جهت امیرالمؤمنین (ع) از روی حساب درست نمی‌آید بیانش آن که از تاریخ هیجدهم ذی‌الحجه الحرام سال دهم از هجرت که به اتفاق نص غدیر خم در آن روز واقع شده تا هیجدهم ذی‌الحجه سال ۱۰۶۲، ۱۰۵۲ سال قمری است و هر سال قمری به اتفاق عبارت است از ۳۵۴ روز و کسری و این کسر به اتفاق، در هر سی سال، ۱۱ روز می‌شود بی‌زیاده و نقصان. بنا بر این به قواعد حسابیه مدت مذکوره ۳۷۲۷۹۴ روز است و چون این عدد بر عدد ایام سال شمسی به اصطلاح روم که ۳۶۵ روز و ربعی است قسمت کنیم، خارج



قسمت ۱۰۲۰ سال رومی و ۳۹ روز می‌شود. پس اگر روز غدیر حجة الوداع دهم ایّار ماه بودی، در سال ۱۰۶۲ بایستی دهم ایّار ماه رومی، در پانزدهم شهر ربیع الثانی باشد و حال آن‌که در این سال، در اواسط شهر جمادی الاخره است. و اگر بالفرض مطابق نیز بودی، بیش از این لازم نیامدی که نوروز فرس در حجة الوداع، چنانکه مطابق ۱۸ ذی الحجة عربی بوده با دهم ایّار ماه رومی نیز موافق افتاده و از این موافقت لازم نیاید که نوروز فرس را همیشه آن روز اعتبار کنند و این معنا بسیار ظاهر است.

و از این حساب معلوم توان نمود که نوروز فرس مطابق نوروز جلالی که در میان ما معروف است نیست، چه سال جلالی از سال رومی بنابر ارضاد معتبره در مدت مذکوره قریب به هشت روز ناقص است. پس اگر هیجدهم ذی الحجة با نوروز فرس به این اصطلاح مطابق بودی، بایستی که در این سال نوروز جلالی در هفتم ربیع الثانی باشد و حال آن‌که در نهم شهر مذکور است. با آن‌که قطع نظر از حساب مذکور، معلوم است که حدوث این اصطلاح به چند قرن بعد از زمان حضرت رسول و اهل بیت علیهم السلام بوده. پس چون تواند بود که بنای احکامی که از ایشان مروی است بر این اصطلاح باشد؟

و از این بیان روشن می‌شود که نوروز فرس مذکور، مطابق نوروز یزدجردی نیز نیست، چه حدوث آن چنانکه مذکور شد، قریب به سه ماه بعد از غدیر حجة الوداع است و قطع نظر از آن، حساب مذکور مبطل آن است، چه هرگاه عدد ایام مذکوره را بر سال یزدجری که ۳۶۵ روز است قسمت کنند، خارج قسمت ۱۰۲۱ سال و ۱۲۹ روز باشد، پس اگر غدیر حجة الوداع با نوروز یزدجردی موافق بودی، بایستی که نوروز مذکور در سال ۱۰۶۲ بر ۱۸ ذی حجة این سال، به ۱۲۹ نوروز مقدم بودی، یعنی در نهم شعبان اتفاق افتادی و حال آن‌که در این سال، اول فروردین ماه ایشان که به نوروز کبیرا اشتها دارد، مطابق دهم ذی القعدة الحرام و اول آذرماه ایشان که بعد از خمسة آبان است و اعتبار اول سال در این نیز احتمالی هست در نهم رجب واقع است. پس هیچکدام نوروز معتبر شرعی که به نص حدیث مطابق روز غدیر حجة الوداع بوده باشد، نباشد. اما نوروز جمشیدی، چنان که مذکور شد در زمان ما بلکه از زمان یزدجرد مضبوط نیست و ماههای کیبسه آن مجهول است. لیکن این قدر معلوم است که تفاوت آن از سال رومی، اگر مبدأ یکی باشد، هرگز زیاده از یک ماه نشود و این قدر در تعیین آن در زمان ما کافی نیست. و العلم عندالله<sup>۱</sup>

### گزارش رساله خواجهویی

محمد اسماعیل خواجهویی (متوفای ۱۱۷۳) از علمای بعد از فتنه افغان است که رساله‌های فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی دارد.<sup>۲</sup> یکی از رساله‌های وی شرحی است که وی در باب مسأله نوروزیه نگاشته و نگاه وی به طور عمده به رساله شخص دیگری است با نام محمد بن مسعود.<sup>۳</sup> عقیده وی در این باب آن است که نوروز مذکور در روایات با

۱ - نوروزیه آقارسی، نسخه خطی شماره ۸۷۵۵ کتابخانه مرعشی، برگهای ۴۸ - ۵۱.

۲ - مجموعه‌ای از رساله‌های وی را آقای سیدمهدی رجایی چاپ کرده‌اند.

۳ - این رساله به کوشش سیدمهدی رجایی در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم به چاپ رسیده است.

اولین روز آبان که نوروز قدیم فرس بوده تطبیق می‌کند.

وی در آغاز رساله خود می‌نویسد: «در تعیین روز نوروز شرعی میان اهل شرع خلاف بود، بعضی اصحاب کیاست و زکی از این شکسته بی‌دست و پا العبد الجانی محمد بن الحسین المشتهر باسماعیل المازندرانی عفی عنه التماس نموده و استدعا فرموده که اشاره اجمالی به اختلاف فقها و مختار علما در باب نوروز فیروز نموده، اشاره فی الجمله به مختار خویش نیز نماید». نوشته وی، همانگونه که در آغاز آورده ناظر به رساله محمد بن مسعود است.

در ادامه آمده: «فقیر گوید: صاحب رساله (همان محمد بن مسعود) گفت که چون این معلوم شد گوییم: روز نوروز روزی است که در اول آن روز یا قبل از نصف‌النهار آن روز یا در نصف‌النهار و بعد از نصف‌النهار پیش از آن روز به واسطه آفتاب به نقطه اول نزول کند. فقیر بی‌بضاعت گوید: مشهور بین المنجمین آن است که اگر تحویل جرم آفتاب از آخر حوت به اول حمل قبل از زوال واقع شود آن روز روز نوروز است، و اگر بعد از زوال واقع شود روز دیگر نوروز است.» از نظر وی، در تعیین روز نوروز، ملاک همان عرف است زیرا: «پس اهل شرع نوروز روزی را گویند که اهل عرف آن روز را نوروز گویند نه اول روز که آفتاب در تمام آن روز به حمل انتقال کرده باشد.»

پس از آن در تعیین روز نوروز به نقل صاحب رساله، روایت معلی بن خنیس را که به دو صورت در مصادر آمده نقل کرده آنگاه می‌افزاید: «فقیر بی‌بضاعت گوید: به حسب ظاهر میان این حدیث و حدیث سابق تناقض است، چه در حدیث سابق مذکور است که پیغمبر ﷺ در روز نوروز امیر المؤمنین علیه السلام را به دوش مبارک برداشته تا بتان قریش را از فوق کعبه به زیر انداخته شکست و فانی ساخت، و این بلا شبیه در سال فتح مکه معظمه بود، چنانچه اخبار بسیار از طرق خاصه و عامه دلالت بر این دارد.... و فتح مکه معظمه در ماه مبارک رمضان سال هشتم هجرت واقع شد، چنان که شیخ مفید و شیخ طبرسی و ابن شهر آشوب و دیگران روایت کرده‌اند، و احادیث معتبره بر این دلالت کرده است، و اکثر بر آنند که در روز سیزدهم ماه بوده، و بعضی بیستم هم گفته‌اند، و حرکت حضرت از مدینه در روز جمعه دوم ماه مبارک رمضان بعد از نماز عصر بوده، و روز غدیر خم در سال دهم هجرت در حجة الوداع در روز هجدهم ذی الحجة الحرام بود. پس چگونه تواند بود که هر دو در روز نوروز باشد، چه نوروز از قرار حساب گذشته بعد از شش هفت سال از فتح مکه معظمه بلکه بیشتر به ذی الحجة خواهد رسید نه بعد از یک سال، چنانچه مقتضای این دو حدیث است.»

وی ادامه می‌دهد: «و چون هر دو به یک طریق از معلی منقول است ... پس ترجیح أحدهما بر دیگری من حیث السند متصور نیست، و بنا بر این مضمون هیچ یک حجت نخواهد بود، و بر آن اعتماد نشاید کرد، و به او استدلال نتوان نمود، چه تناقض در کلام معصومین غیر واقع است. پس از اینجا فهمیده می‌شود که این دو حدیث کلاهما أو أحدهما از معصوم متلقى نگردیده، و چون از او نباشد حجیت را نشاید و سند شرعی نتواند بود، فافهمه. و عجب است آنکه صاحب رساله و عالی حضرت مستدل شیخ ابن فهد و سائر علمای سلف رحمهم الله در این مدت متمادی که قریب به هزار و صد سال است، یعنی از زمان ورود حدیث الی زماننا هذا متفطن به آنچه گفتیم نشده‌اند. و از این حدیث استدلال بر تعیین روز نوروز شرعی نموده‌اند و فرموده‌اند که آن روزی است که آفتاب به اول حمل رفته باشد چنانچه خواهد رسید مع ما قیه.»

خواجویی ادامه می‌دهد: «حقیر بی بضاعت گوید: پوشیده نیست که کلام معلی (بن خنیس) که این قدر می‌دانم که عجم این روز را تعظیم می‌کنند و مبارک می‌دانند، و قول حضرت صادق - علیه السلام - که این روز را اهل فرس ضبط کرده‌اند، و قول آن حضرت که روز نوروز اول سال فارسیان است چنانچه خواهد رسید، دلالت بر آن کند که این روز غیر نوروزی بوده است که منسوب به سلطان جلال‌الدین ملک شاه. چه این نوروز در بلاد و لغات اعاجم آن زمان و مکان شایع و معروف نبوده است، و ایشان ضبط آن نکرده بوده‌اند، و اول سال ایشان نبوده است، بلکه بعد از مدتهای متمادی به وضع گماشته‌گان سلطان حدوث یافته، و به مرور شهر و دهور ذایع و شایع شد. و آنچه در میان اعاجم آن زمان مشهور و معروف بوده اول سال فارسیان بوده، چنانچه حضرت صادق - علیه السلام - در آخر حدیث معلی اشاره به آن خواهد فرمود، و اول سال ایشان اول جلوس یزدجرد بن شهریار بود که اول فروردین ماه قدیم است نه جلالی، و آن روزی است که آفتاب به اول عقرب رفته باشد. و ظاهراً صاحب رساله و احمد بن فهد حلی و محمد صالح الحسینی (خاتون آبادی) اول سال فارسی را عبارت از اول حمل که مبدء سال تاریخ ملکی است گرفته‌اند، و این به غایت بعید بل اشتباه شدید است.»

خواجویی این نظر را پذیرفته است که نوروز موجود در روایات، اولین روز سال فرس قدیم است که در اصل ابتدای حلول خورشید به برج عقرب یعنی آبان ماه می‌باشد. وی می‌نویسد: «پوشیده نیست که کلام شیخ شهید - رحمه الله - صریح است در این که اول سال فارسیان که روز نوروز است نزد ایشان چنانچه حدیث معلی ناطق است بر آن غیر نوروز سلطانی است که در آن روز آفتاب به اول حمل نزول می‌کند، و در کلام امام علیه السلام تصریح است به این که روز نوروز اول سال فارسیان است .. چه این عید از اعیاد قدیمه متداوله میان عجم است در بلاد ایشان، چنانچه از کلام معلی که این قدر می‌دانم که عجم تعظیم این روز می‌کنند و آن را مبارک می‌دانند، و از قول امام به حق ناطق جعفر بن محمد صادق علیه السلام که این روز از قدیم الایام مکرم و محترم بوده مستفاد می‌شود ... به خلاف وضع تاریخ ملکی و نوروز سلطانی که مسبوق است به چهار صد و پنجاه و کسری تقریباً بر ورود این اخبار، پس ورود این بر وفق آن به غایت بعید است. ... و سابقاً مذکور ساختیم که آخوند فیض در رساله مذکوره آورده که روز نوروز نزد فارسیان اول فروردین ماه قدیم است که اول عقرب باشد، و گفته که این است مختار صاحب انواء و مشهور میان فقهای عجم در بلاد ایشان.

وی سپس به نقد آنچه ابن فهد در تأیید مطابقت نوروز در روایات با نوروز به معنای آغاز بهار گفته، پرداخته است. وی در باره استدلال ابن فهد به عرف می‌نویسد: «شهرت این تاریخ و عرف این اصطلاح در میان مردم در زمان عالی حضرت مستدل و ما بعد آن الی هذه الاوان مسلم است و لکن مفید مطلوب نیست، بلکه باید که این عرف قبل از ورود شرع، یا در وقت ورود آن مشهور و معروف باشد تا احکام شرعی از عبادات و ادعیه بر وفق آن وارد تواند شد. چه متابعت شرع عرفی را که بعد از آن به چهار صد و پنجاه و کسری تخمیناً حادث و بعد از حدوث به مدتهای متمادی به مرور شهر و دهور ذایع و شایع شود بی معنی است. و چون تواند بود که شارع گوید که روزه مثلاً در روز نوروز سنت است و اهل شرع آن زمان و مکان ندانند که مراد وی از نوروز چه روز است». دلیل دیگر ابن فهد آن بود که «از امام علیه السلام منقول است که روز نوروز بعینه روز غدیر خم است، و روز غدیر در سال دهم هجرت بوده، و حساب کرده‌اند موافق اول نزول

آفتاب به حمل بوده در نوزدهم ذی حجه به حساب تقویم و هلال را در مکه در شب سی‌ام ندیده بودند و در روز هجدهم ذی الحجه بود به رویت. وی این دلیل را نیز نمی‌پذیرد زیرا که «سابقاً دانسته شد که بین الحدیثین تناقض است، و تناقض در کلام معصوم روا نیست، دانسته شد که استدلال بهما قبل رفع التناقض بینهما غیر صحیح است، بلکه بر مستدل لازم است که اول رفع تناقض نماید تا استدلال او صحیح و کلام او مقبول شود.» وی محاسبه این فهد را هم نپذیرفته و می‌افزاید: «مؤید آنچه گفته شد این است که از یلویان حدیث غدیر که در روز غدیر خم در غدیر حاضر و ناظر بوده‌اند منقول است که آن روز به غایت گرم و با حرارت بوده است. و معلوم است که در اول نزول آفتاب به حمل با وصف سابقه دست برد برد العجوز اگر هوا در جحفه و ما بین الحرمین در فصل نوروز سلطانی در غایت اعتدال نباشد به غایت گرم نخواهد بود، چنان که از حصّار غدیر خم مروی است.»

وی دلایل دیگر ابن فهد را نیز رد کرده و در نهایت از روی احتیاط می‌نویسد: «چون فهمیده شد که این مسأله خلافی است و دلائل هیچ یک افاده یقین بل ظن به خصوص روزی نمی‌کند، پس احوط آن است که اعمال روز نوروز در این دو روز که روز نزول آفتاب به اول حمل و اول عقرب باشد کرده شود، چه از اصحاب سائر مذاهب دلیل اقتناعی هم به نظر نرسید. و لکن قول شیخ شهید علیه‌الرحمه که نوروز اول سال فرس است یا حلول آفتاب در برج حمل یا دهم ایار یاد از آن می‌دهد که او در تعیین روز نوروز مردد است میان این سه روز، پس اگر اعمال نوروز در دهم ایار ماه رومی هم کرده شود بهتر خواهد بود.»

وی در نهایت با تمسک به تسامح در ادله سنن، چنین حکم می‌دهد که «پس کردن این اعمال در این روز خالی از اجر نخواهد بود.»

فصل بعدی وی در بیان برخی از اعمال روز نوروز است که در روایت وارد شده است. یک روایت که در مباحث گذشته از آن یاد نشد چنین است: «و نقل کرده‌اند که هر که در این روز سیصد و شصت بار آیه الکرسی را تا و هو العلی‌العظیم بخواند بعد از آن سیصد و شصت بار بگوید: اللهم هذه سنة جديدة وانت ملك قديم أسألك خیرها وخیر ما فیها، وأعوذ بك من شرها ومن شر ما فیها، وأستکفیک مؤونتها و شغلها یا ذا الجلال والاکرام، تا آخر سال از جمیع بلاها و آفتها محفوظ باشد.»

و روایت دیگری که پیش از این گذشت چنین است که «و از سیدنا امیر المؤمنین سلام الله علیه مروی است که هر که این هفت آیه مشتمله بر هفت سلام را در روز نوروز بر کاسه چینی به مشک و زعفران بنویسد و به گلاب بشوید، هر که از آن آب بخورد تا سال دیگر هیچ المی و دردی به وی نرسد، و اگر گزنده‌ای وی را گزد زهر بر او کار نکند به قدره الله تعالی: سلام علی نوح فی العالمین، سلام قولاً من رب الرحیم، سلام علی ابراهیم، سلام علی موسی و هارون، سلام علی آل یس، سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین، سلام هی حتی مطلع الفجر.»

و در پایان نیز می‌نویسد: «و چون سائر ادعیه و اعمال شرعیه روز نوروز که در کتب اصحاب نقل شده سندی که فی الجمله اعتمادی بر آن باشد ندارد، لهذا به همین قدر اکتفا نمود و بالله التوفیق.»